

دانشگاه فرهنگیان
فصلنامه علمی تخصصی
پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی
دوره سوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

شناسایی مهارت‌ها و شایستگی‌های معلم در آموزش و تربیت اجتماعی و سیاسی

ارسال: ۱۳۹۹/۹/۹ علی شیروانی شیرینی^۱
پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۲۰ ساجده جهرمی، زهرا دهقانی^۲

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی مهارت‌ها و شایستگی‌های موردنیاز معلمی در آموزش و تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان است. پژوهشگران در این مطالعه تلاش کردند تا به این پرسش که مهارت‌ها و شایستگی‌های موردنیاز معلمی در آموزش و تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان کدامند؟، پاسخ دهند. برای پاسخ به این پرسش اساسی، از روش بررسی اسنادی در جمع‌آوری اطلاعات و از روش تحلیلی-تفسیری در تحلیل اطلاعات استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که نظام آموزش و پرورش نقش مهمی در آموزش و تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان دارد. معلم با ایجاد و تقویت مهارت‌های اجتماعی پایه در دانش‌آموزان سعی می‌کند تا با راهنمای عمل قرارداد اصول تربیت اجتماعی که عبارت‌اند از؛ وحدت، مسئولیت، عدالت و مشارکت به اهداف تربیت اجتماعی نائل شود. در تربیت سیاسی دانش‌آموزان نیز انتظار می‌رود که معلم به مؤلفه‌های تربیت سیاسی که عبارت‌اند از؛ آزادی، استقلال، عدالت و دادن آگاهی سیاسی، توجه جدی داشته باشد چراکه تربیت سیاسی منجر به توسعه سیاسی در سطح جامعه می‌شود که آن نیز به معنای افزایش مشارکت مسئولانه آحاد افراد جامعه در سرنوشت سیاسی خود و جامعه خود خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: تربیت اجتماعی، تربیت سیاسی، معلم، دانش‌آموزان

-
- ۱ - استادیار، گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان ali_shiravani@cfu.ac.ir
 - ۲ - آموزگار، اداره آموزش و پرورش منطقه جویم، شهرستان لار، اداره کل آموزش و پرورش فارس
 - ۳ - آموزگار، اداره آموزش و پرورش منطقه ششده و قره‌بلاغ، شهرستان فسا، آموزش و پرورش فارس

مقدمه

تربیت یک ضرورت اجتناب ناپذیر در زندگی انسان است و شامل ابعاد متعددی از جمله؛ تربیت سیاسی، اجتماعی، دینی، فرهنگی، اقتصادی، زیستی، علمی - فناوری و... می باشد. از جمله مهم ترین سازوکارهای تربیت ملی و اهداف عالی نظام رسمی آموزش و پرورش هر کشور، تربیت سیاسی و اجتماعی کودکان است و در واقع به عنوان مکمل خانواده، به منزله ی قانونی است که در آن افراد همراه با تعلیم و کسب معلومات تربیت می شوند (فاتحی زاده، نصر صفهانی، فتحی، ۱۳۸۴). در مدرسه نیز عوامل مختلفی وجود دارند که در امر تربیت مؤثرند از قبیل برنامه های درسی، مواد آموزشی، سازمان مدرسه و امکانات آموزشی آن؛ ولی هیچ یک از این ها به اندازه ی معلم، چه به لحاظ آموزشی و چه تربیتی اهمیت ندارد، زیرا این معلم است که به همه ی آن عوامل جان می بخشد و آن را سودمند و نتیجه بخش می گرداند؛ بنابراین می بایست از معلمین مدارس به عنوان مهم ترین عوامل تأثیرگذار در تربیت دانش آموزان استفاده شود.

زندگی همه ما در ارتباط با انسان های دیگر معنا می شود؛ در حقیقت ما در مسیر زندگی نیازمند برقراری ارتباط با دیگران هستیم. کودکان همانند آب نهرهای باریک، همیشه نمی توانند مستقل و جدا باقی بمانند، ناگزیر روزی باید به دریای اجتماع وارد شوند، بدیهی است حفظ موجودیت در برابر امواج خروشان اجتماع، احتیاج به مهارت های اجتماعی قوی دارد؛ بنابراین رشد و تحول اجتماعی در سایه اجتماعی شدن و سازگاری و برقراری ارتباط مطلوب با دیگران میسر است.

در تربیت سیاسی هدف پرورش انسان هایی آگاه، شایسته و متعهد؛ انسان هایی که خود را در برابر خدا و خلق خدا مسئول بدانند؛ در اداره و ساماندهی منطقه مأموریتی خود و دیگر عرصه های سیاسی درونی همانند روابط با مردم و رعایت حقوق آنان و بیرونی همانند مسائل جهانی و بین المللی به وظایف و مسئولیت های خود عمل کنند (مسعودیان، بهشتی، ۱۳۹۲).

از طرفی با توجه به تلاش سیاست گذاری های بیگانه در مورد تحریف اذهان نسل جوان جامعه با استفاده از رسانه های مجازی از جمله شبکه های ماهواره ای و ساخت برنامه های ضد فرهنگ بومی، ایجاد می کند نسل جوان اطلاعات و آگاهی های لازم

را بر اساس مبانی دینی و اخلاقی و متناسب با نیازهای جامعه کسب کنند تا بتوانند علاوه بر حضور و مشارکت مؤثر در جامعه، در برابر ترندهای بیگانگان بایستند و از نظام مقدس اسلامی و فرهنگ ملی دفاع کنند. تحقق چنین منظوری مستلزم تربیت سیاسی و اجتماعی افراد جامعه به‌ویژه کودکان و نوجوانان است.

هرچند خانواده در تعلیم و تربیت کودک نقش بسیار تأثیرگذاری دارد اما به دلیل ناهمگونی آموزه‌های خانواده‌ها و متفاوت بودن امکانات، این تعالیم نمی‌تواند به میزان لازم کودکان و نوجوانان را برای جامعه آینده آماده کند. از این رو نظام آموزش رسمی کمک شایانی در تربیت سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و... می‌کند.

معلم در نظام آموزشی مؤلفه‌ای تأثیرگذار و تحول‌آفرین در فرآیند آموزشی و تربیتی است. این اهمیت تا آنجاست که برخی معتقدند معلم، کارایی و کفایت او، آیینی تمام‌نمای کفایت و کارایی هر نظام آموزشی است. ژاپنی‌ها بر این باورند که شایستگی هر نظام آموزشی به اندازه‌ی شایستگی معلمان آن است (رضایی، ۱۳۹۳؛ ۵۳). در امر مهم تربیت به‌طور کلی، باور و ایمان مربی، نقشی اساسی دارد چنان‌که حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «هرگاه گفتار با نیت او ناهمگون گردد، شنونده، گفتارش را می‌پذیرد و هرگاه گفتار با نیت او ناهمگون باشد، گفتارش به‌خوبی در دل شنونده نمی‌نشیند» ثانیاً، مربی باید اهل عمل باشد " (خان‌محمدی، ۱۳۸۷: ۲۳). امام علی (ع) کارکرد مثبت عامل بودن مربی را این‌گونه بیان می‌نماید: "کسی که خود را رهبر مردم قرار می‌دهد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران بپردازد، خود را بسازد؛ و پیش از آن که به گفتار، تربیت کند، با کردار تعلیم دهد؛ زیرا آن که خود را تعلیم دهد و ادب کند، سزاوارتر به تعظیم است از آن که، دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد" (نهج‌البلاغه، حکمت ۷۰).

با توجه به مطالب فوق، ضرورت پژوهش علمی و توجه به مسئله تربیت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان که خیل عظیم نوجوانان و جوانان جامعه را تشکیل می‌دهند بر کسی پوشیده نیست.

در این پژوهش، شایستگی‌ها و مهارت‌های معلمان در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان عصر حاضر به شیوه‌ی کاربردی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. "از آنجایی که آموزش و پرورش نهادی اجتماعی است، می‌تواند در رشد و بالندگی و هویت فرد و تبلور

شخصیت وی نقش بسیار مهمی پیدا کند. از این رو سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در وزارت آموزش و پرورش از حساس‌ترین و مهم‌ترین وظایف دست‌اندرکاران و مسئولان جامعه است و باید از اولویت ویژه‌ای برخوردار باشد" (رازانی، کلدی، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

اگر افراد جامعه از تربیت والای اجتماعی و سیاسی برخوردار باشند و شخصیت آن‌ها بنا بر اقتضائات جامعه، متناسب با فرهنگ سیاسی و اجتماعی، پیشرفت و تعالی داشته باشد، مسیر بالندگی جامعه هموار خواهد بود؛ در غیر این صورت، دیگر تلاش‌ها و ساختارها، تأثیر چندانی در توسعه‌ی جامعه نخواهد داشت؛ بنابراین باید در مسیر تربیت اجتماعی و سیاسی نسل جوان و نوجوان جامعه که در حقیقت نسل آینده‌ساز جامعه می‌باشند کوشید. این امر محقق نمی‌شود مگر آنکه اولاً برای آن ساختاری نظری و منطقی فراهم شود تا فرآیند تربیت سیاسی و اجتماعی نظام آموزشی بر مبانی و اصول و روش‌های محکمی بنا گردد و ثانیاً مربیان و معلمان مهارت‌ها و شایستگی‌های موردنیاز معلمی در آموزش و تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان را کسب کرده باشند.

نویسندگان در این مقاله به شناسایی و بررسی مهارت‌ها و شایستگی‌های موردنیاز معلمی در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان می‌پردازند. از آنجاکه جامعه ایران در عصر حاضر نیازمند انسان‌های آگاه، حساس به مسائل جامعه، مشارکت‌جو، متعهد و پایبند به ارزش‌های انسانی و دینی است، لذا تعلیم و تربیت رسمی جامعه باید مطابق با این الزامات، با تدارک معلمان آگاه و متعهد که دارای شایستگی‌ها و مهارت‌های لازم باشند و نیز اجرای مناسب برنامه‌های درسی، امکان رشد شخصیت افراد در ابعاد مختلف و از جمله بعد اجتماعی و سیاسی را به نحو شایسته‌ای فراهم کند.

تربیت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران که بر پایه تفکر مردم‌سالاری دینی شکل گرفته است، از اولویت ویژه‌ای برخوردار است. از یک سو جوان بودن جمعیت در کشور ما و از سوی دیگر تهاجم فرهنگی، ایجاب می‌کند نسل جوان اطلاعات و آگاهی‌های لازم را بر اساس مبانی دینی و اخلاقی و متناسب با نیازهای جامعه کسب کنند تا بتواند علاوه بر حضور و مشارکت مؤثر در جامعه، در برابر ترفندهای بیگانگان بایستد و از نظام مقدس اسلامی دفاع کنند. متأسفانه تربیت سیاسی در کشور ما،

آن‌طور که شایسته است مورد توجه نیست و اجرا نمی‌شود. بنابراین لازم است مسئولین نظام آموزشی کشور، به این امر مهم توجه نموده و شرایط لازم را برای تربیت سیاسی کودکان و نوجوانان و سایر اقشار جامعه فراهم کنند تا علاوه بر تربیت نیروهای کاردان و شایسته، تبعات نامطلوبی مانند بی‌اعتنایی جوانان نسبت به سرنوشت کشور و آسیب‌پذیری آنان در برابر حمله‌ها و تبلیغات بیگانگان دامن‌گیر جامعه نگردد (رضوی، ملکی، عباس‌پور، ابراهیمی‌قوام، ۱۳۸۹).

با توجه به این‌که تربیت همه‌جانبه و متعادل شخصیت انسان باید با توجه به همه ابعاد و ساحت‌های جودی وی صورت گیرد و بعد سیاسی و اجتماعی نیز یکی از ساحت‌ها و ابعاد اساسی وجود آدمی است، در این پژوهش به‌طور ویژه به شناسایی و بررسی مهارت‌ها و شایستگی‌های موردنیاز معلم برای تربیت این بعد از تربیت پرداخته شده است؛ بنابراین، پژوهشگران در این مطالعه در تلاش هستند تا به این پرسش که مهارت‌ها و شایستگی‌های موردنیاز معلمی در آموزش و تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان کدام‌اند؟، پاسخ دهند.

پیشینه‌ی تحقیق

"یک جامعه توسعه‌یافته نیازمند افرادی با بینش سیاسی جامع‌نگر و با قدرت بالای تجزیه و تحلیل سیاسی است. بر این اساس، توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیازمند یک فرهنگ غنی و پویاست" (رضوی، ملکی، عباس‌پور، ابراهیمی‌قوام، ۱۳۸۹: ۲۴). خانواده و رفتارهای اعضای آن (رفتارهایی مانند: دوستی، محبت، پذیرش و احترام متقابل و ایجاد احساس امنیت و آرامش) نقش معناداری در رشد اجتماعی و اعتمادبه‌نفس و قدرت سازگاری بیشتر فرزندان داشته است. مونتمایور روابط والدین با فرزندان در طول دوره‌ی نوجوانی و جوانی را کاهش‌یافته و متوجه عوامل بیرون از خانواده تلقی می‌کند که بر روند رشد اجتماعی آنان تأثیرگذار است. خانواده اولین مکان رشد شخصیت است که در مقابله با منابع استرس و آسیب‌شناسی رفتار نوجوان مؤثر بوده و در صورت عدم ایفای نقش صحیح، منبعی برای شکل‌گیری تنش می‌باشد. دانشگاه و مدرسه در پیوستن به گروه‌های دوستی و اجتماعی بار آوردن دانشجو و دانش‌آموز عامل بسیار مؤثری می‌باشند که حتی اثر آن در دوره‌ی نوجوانی و جوانی

بیش از خانواده است. همچنین استادان و مربیان باید در تدریس خود، روش‌هایی را به‌کارگیرند که دانشجویان به‌طور غیرمستقیم مجبور به ارائه‌ی تحقیق گروهی و گزارش نتیجه به همکلاسان خود باشند تا از این طریق مهارت‌های اجتماعی آنان تقویت گردد. در تبیین نقش عامل دوستی و گروه‌های دوستی در تعلیم و تربیت باید گفت نوجوانان و جوانان همبستگی متقابل، دوستی داشتن و دوست بودن را بسیار مهم تلقی می‌کنند و دوستی‌ها برای آنان زمینه‌ی مناسبی برای اجتماعی شدن توأم با نشان دادن حس همکاری است. فناوری اطلاعات و ارتباطات در دنیای امروز به‌شدت در روابط اجتماعی تأثیر گذاشته است. ایزن باخ یکی از بهترین روش‌های آموزشی برای قشر جوان را استفاده از وسایل دیداری، شنیداری و فناوری اطلاعات می‌داند که هرچه این وسایل با توجه به سن و فرهنگ جامعه‌ی موردنظر جذاب‌تر باشد نتیجه‌ی آموزش مثبت خواهد بود؛ بنابراین بین دانش و آگاهی معلمان از فناوری آموزشی و کاربرد وسایل آموزشی از سوی معلمان در فرآیند یاددهی و میزان یادگیری رابطه‌ی معناداری وجود دارد. علاوه بر این فناوری اطلاعات و ارتباطات، الگوی فکری آموزش را دگرگون و مدل‌های موجود را غنی‌تر می‌کند. (افخمی‌عقدا، ۱۳۹۳: ۱۵۷). مطالعات انجام‌شده در خصوص جامعه‌پذیری یا تربیت سیاسی نیز حکایت از آن دارد که تمایلات و آمادگی‌های روانی لازم برای یادگیری سیاسی تا سنین ۱۲ یا ۱۳ سالگی به‌خوبی در افراد تثبیت می‌شود. این نتیجه، نشان‌دهنده اهمیت تربیت شهروندی و به‌ویژه تربیت سیاسی در مقطع ابتدایی است" (شارع‌پور، ۱۳۸۳: ۲۹۲).

روش پژوهش

این پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد. روش جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، از بین چهار روش اصلی که مارشال و راسمن^۱ (۱۳۹۰)، برای جمع‌آوری اطلاعات در تحقیق کیفی نام‌برده‌اند، شیوه بررسی اسناد و مدارک است. بررسی اسناد یکی از روش‌های شناخته‌شده است که پژوهشگر می‌تواند از آن برای بررسی دقیق‌تر و فهم عمیق‌تر محتوای متن استفاده کند. صاحب‌نظران روش مزبور را جامع‌ترین روش می‌دانند زیرا این شیوه نوعی استراتژی تحلیلی است. این روش از سایر روش‌های کیفی، عینی‌تر است. اسناد و مدارکی که در این پژوهش موردبررسی

قرار می‌گیرند، متون تألیفی مرتبط با موضوع پژوهش از سوی نویسندگان و پژوهش‌گران در این زمینه علمی خواهد بود.

مبانی نظری

تربیت

در قرآن کریم از تربیت و پرورش و روح و روان انسان تعبیر به تزکیه شده است "هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ".

واژه تربیت از ریشه "رَبَوَ" و باب تفعیل است. در این ریشه معنای زیادت و فزونی اخذ گردیده است و در مشتقات مختلف آن می‌توان این معنی را به‌نوعی باز یافت؛ بنابراین واژه تربیت با توجه به ریشه‌ی آن به معنی فراهم کردن موجبات فزونی و پرورش است (مرزوقی، اناری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۶۵)؛ اما به باور باقری (۱۳۹۵)، در قرآن، مفهوم تربیت از ریشه "ربو" چندان مورد توجه قرار نگرفته است زیرا این مفهوم در استعمال قرآن به معنی بزرگ کردن و رشد و نمو جنسی است. مراد از تربیت در اسلام کلمه تربیت از ماده "ربب" و استعمال و مشتقات آن در رابطه با انسان، فراخنای وسیعی از آیات قرآن را در بر گرفته است.

در خصوص تعریف تربیت، می‌توان تعریف نسبتاً کامل و تفصیلی ذیل را بر اساس فلسفه تربیت اسلامی ارائه نمود: تربیت عبارت است از: "جریان تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته‌ی افراد و شکل‌گیری و اعتلای مداوم جامعه اسلام بر اساس نظام معیار اسلامی برای هدایت متریبان به سوی تحقق حیات طیبه در همه‌ی مراتب و ابعاد، به‌گونه‌ای که آماده شوند به‌طور آگاهانه و اختیاری در این مسیر حرکت کنند" (صادق‌زاده، حسنی، کشاورز، احمدی، ۱۳۸۹: ۴۹).

۱. اوست که در میان اطمینان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها تلاوت می‌نماید و آن‌ها را (پلیدی‌های عقیدتی و اخلاقی و عملی) پاکیزه می‌کند و به آن‌ها کتاب (آسمانی و معارف دینی و عقلی) می‌آموزد و حقیقت این است که آن‌ها پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند " (جمعه/۲).

گاهی ممکن است شبه تربیت جای تربیت را گرفته و این دو یکی تلقی گردند. دست کم می‌توان سه مورد بارز برای « شبه تربیت ذکر کرد. این سه مورد عبارت‌اند از: «عادت»، «تلقین» و «تحمیل». این سه شبه تربیت، ملاحظه‌های روش‌شناختی خاصی را ایجاب می‌کنند که هیچ‌یک به‌طور دقیق، با تربیت منطبق نیست. به کمک عادت، تلقین و تحمیل می‌توانیم تغییراتی را که از نظر ما مطلوب است در افراد ایجاد کنیم. این تغییرات ایجادشده، هرچند خود مطلوب‌اند، اما از آنجاکه با ملاحظه‌های روش خاصی همراه‌اند، تربیت محسوب نمی‌شوند.

عادت بر «تکرار» استوار است. از طریق فراهم کردن شرایط تکرار یک رفتار (مانند نماز خواندن) می‌توان آن را در فردی تثبیت نمود. در اینجا هرچند توانسته‌ایم تغییرات مطلوب را ایجاد کنیم، اما نمی‌توان آن را تربیت دانست. هم‌چنین می‌توان از طریق تلقین، تغییرات موردنظر را در کسی ایجاد نمود. تلقین بر «هیبت» استوار است. هنگامی که کسی سخنی یا اندیشه‌ای را نه به سبب استواری و معقولیت آن، بلکه تنها به دلیل هیبت گوینده آن می‌پذیرد، تن به تلقین سپرده است. سرانجام، می‌توان از تحمیل نیز برای ایجاد تغییرات موردنظر استفاده نمود. تحمیل آشکارا بر «زور» استوار است. با واداشتن افراد به کاری و مجازات نمودن آن‌ها در صورت تخلف، می‌توان شاهد انجام آن کار توسط آن‌ها بود؛ اما تحمیل نیز تربیت نیست. عادت، تلقین و تحمیل، هر سه شبه تربیت‌اند و نباید آن‌ها را با تربیت اشتباه نمود (باقری، ۱۳۹۸).

تربیت اجتماعی

آیه "يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ"^۱، مؤید این است که انسان فطرتی اجتماعی دارد. هم‌چنین بر اساس آیه شریفه «ان الله لا یغیر ما بقوم حتیٰ یغیروا ما بانفسهم»^۲ سرنوشت افراد یک جامعه به هم گره خورده و تغییر این سرنوشت مستلزم تغییر در همه افراد جامعه است. به دلیل وجود این پیوند مستحکم بین فرد و جامعه، در فرهنگ قرانی به پاسداری از این پیوند که از ملزومات آن تربیت اجتماعی است، بسیار تأکید شده است.

۱. (حجرات/ ۱۳)

۲. (رعد/ ۱۱)

انسان، به دلیل نیازمندی یا کمال‌جویی و به لحاظ ساختار شخصیت، موجودی اجتماعی است و هویت او تا حد قابل‌توجهی به‌خصوص در آغاز زندگی در عرصه‌ی زندگی اجتماعی ساخته‌وپرداخته می‌شود؛ یعنی بینش، گرایش، کنش و منش انسان از نظام فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اجتماع تأثیر می‌پذیرد، هرچند این تأثیر هرگز به آن پایه نیست که او را به‌صورت تابعی مطلق از وضع محیط اجتماعی درآورد؛ بنابراین هم باید شرایط اجتماعی را به‌مثابه‌ی عاملی بسیار مؤثر بر شخصیت و نحوه‌ی زندگی افراد در نظر بگیریم و هم می‌توان با تکیه بر اراده‌ی فردی در برابر این تأثیر اجتماعی مقاومت کرد و حتی با شناخت جامعه و قوانین حاکم بر تحولات اجتماعی و عمل مناسب، می‌توان تأثیر مناسبی بر نظام اجتماعی گذاشت. در این باره، قرآن کریم در آیات متعدد ضمن اشاره به واقعیت تأثیرپذیری بسیاری از انسان‌ها از محیط اجتماعی، با توجه به وجود اختیار و اراده در انسان، بر مسئولیت آدمی در برابر اجتماع تأکید کرده و به تغییر شرایط حاکم بر هر جامعه در صورت تحول افراد آن، به‌مثابه‌ی سنتی الهی تصریح نموده است (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۷۰).

بنابراین "انسان اجتماعی می‌بایست با گروه‌ها و افراد مختلف در جامعه روابطی را برقرار سازد. این روابط به دلیل پیچیدگی شخصیت و ماهیت اجتماعی و فردی انسان، برای وی مسائلی را به وجود می‌آورد که باید بتواند بهترین شیوه را برای برخورد با این مسائل بیابد و به آن عمل کند" (مرزوقی، اناری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۶۷).

منظور از تربیت اجتماعی همان ارتقای «سطح فرهنگ جامعه» است که همه‌ی عوامل فردی و اجتماعی در آن تأثیر دارند و همه‌ی ابزارهای مستقیم و غیرمستقیم آموزشی و تبلیغاتی باید جهت تحقق آن به کار گرفته شود و نمی‌توان میدان عملیات را به یک یا دو حوزه و روش را به چند گونه‌ی معین و راهکارهای آموزشی و تبلیغاتی را به چند ابزار (مانند: دولت، صداوسیما، آموزش‌وپرورش و...) محدود نمود؛ اما در بین این عوامل تأثیرگذار سازمان آموزش‌وپرورش و نیروهای آن در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان نقش بسزایی دارد. بر این اساس معلمان در کلاس درس موظف به پرورش اجتماعی دانش‌آموزان می‌باشند که در وهله اول می‌بایست با آگاهی داشتن از مهارت‌های اجتماعی پایه، دانش‌آموزان منزوی و اجتماعی را در کلاس شناسایی کنند.

اصول تربیت اجتماعی

در این بخش، اصول اساسی در عرصه‌ی تربیت اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱. حفظ و ارتقای فردیت

تربیت اجتماعی هنگامی در مسیر مطلوب حرکت خواهد کرد که به شکل‌گیری مدار فردی بیانجامد. براین اساس، یکی از قواعد بنیادی تربیت اجتماعی این است که باید فردیت ممتاز و متمایز آدمی از دیگران تحقق یابد. حفظ و ارتقای فردیت در گرو رشد فطرت، کرامت و حریت آدمی است. رشد فطرت، به بالیدن معرفت و گرایش ربوبی در فرد منجر می‌شود و این به منزله‌ی ظهور ظرفیتی و نیز جهت‌گیری خاص درونی است که از اضمحلال فرد در جمع یا از اضمحلال او به هنگام طردشدن از جمع جلوگیری می‌کند. همچنین، رشد احساس و کرامت و منزلت انسانی در درون فرد، هویتی درونی به وی می‌بخشد و مانع از آن می‌شود که فرد خود را چون ظرفی تهی ببیند که خصایص وی تنها برحسب ویژگی‌های جماعتی که در آن‌ها واقع شده، شکل می‌گیرد. اهمیت این احساس کرامت، به‌ویژه هنگامی آشکار می‌شود که فرد خود را در متن جماعتی دون بیابد؛ در این صورت است که تعارضی در وی شکل می‌گیرد که یک سوی آن، احساس کرامت و سوی دیگر آن، فشار و اقتضای اجتماعی برای هماهنگ شدن با جمع است. سرانجام، رشد حریت در فرد به این معنا که وی خود را بنده‌ی دیگری نسازد، هسته مقاوم درونی را در وی شکل می‌دهد. به این ترتیب، اصل حفظ و ارتقای فردیت بیانگر آن است که تربیت اجتماعی باید مانع از آن شود که آدمی چون عنصری بی‌اراده، تنها با شور جمعی حرکت کند. در عوض، تربیت اجتماعی مستلزم حفظ فردیت و ارتقای آن است. تنها این امر است که معنای اصلی «مشارکت» فرد در جمع را به آن بازمی‌گرداند. تنها کسی که هویتی درونی در خویش می‌یابد و احساس کرامت و حریت می‌کند، می‌تواند در جمع «مشارکت» کند، در غیر این صورت، او تنها جمع را «مشایعت» می‌کند (باقری، ۱۳۹۵: ۲۰۱).

امام علی (ع)، مردم را از آن بر حذر می‌دارد که حقانیت خود را در سیاهی لشکر جمع بجویند و اگر خود را محدود یا متروک یافتند، این را به ضرورت، علامت گمراهی و گم‌گشتگی خویش ببینند: "أَيُّهَا النَّاسُ، لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ،

فَإِنَّ النَّاسَ قَدْ اجْتَمَعُوا عَلَى مَائِدَةٍ شَبَعَهَا قَصِيرٌ وَ جُوَعَهَا طَوِيلٌ؛^۱

از ملاحظه این موارد می‌توان دریافت که تربیت اجتماعی باید به شکل‌گیری فردی منجر شود که از درون مایه‌ای هویت‌بخش برخوردار شود و حرکت‌های اجتماعی وی، برخاسته از بینش و انگیزه‌ی درونی باشد. بنابراین یکی از اصول و قواعد راهنما در تربیت اجتماعی، حفظ و ارتقای فردیت آدمی است که محتوای این فردیت، بر فطرت، کرامت و حریت استوار است.

۲. اتکا بر سنت و فرهنگ و گزینش از آن

سنت، فرهنگ و روابط اجتماعی، دامنه و بستری است که فرد در عرصه و میدان تأثیر آن قرار دارد. براین اساس، تربیت اجتماعی، به نحو اجتناب‌ناپذیری، مستلزم آن است که فرد، جایگاه خود را در دامنه سنت‌های اجتماعی و در بستر فرهنگ و روابط اجتماعی باز یابد. اما سنت‌های اجتماعی و فرهنگی، آمیزه‌ای از راه و رسم‌های مختلف است که همه از اعتبار یکسان برخوردار نیستند. از این‌رو، تربیت اجتماعی مستلزم رویکرد گزینشی از سنت و فرهنگ خواهد بود. در تربیت اجتماعی، مرتبان باید به پشتوانه سنت و فرهنگ تکیه زنند و از مجموعه‌ی سنت و فرهنگ، دست به انتخاب مواردی بزنند که معقول‌تر و موجه‌تر است و فرد را در عرصه و میدان تأثیر آن قرار دهند (باقری، ۱۳۹۵: ۲۰۸).

۳. غلبه بر خودمحوری

مضمون این اصل، آن است که در تربیت اجتماعی، باید امکان آن را برای فرد فراهم آوریم که بر خودمحوری غلبه کند و با خروج از سلطه‌ی مدار فردی، بتواند در هر دو مدار فردی و اجتماعی حرکت کند. خودمحوری گونه‌های مختلفی دارد که عبارت‌اند از: خودمحوری‌های هستی‌شناختی، شناختی، عاطفی و ارتباطی.

الف) غلبه بر خودمحوری هستی‌شناختی: خداوند از تدبیر خود به‌عنوان معیار حال و وضع انسان سخن می‌گوید؛ به این نحو که به قصد آزمودن آدمی، وی را زمانی در وسعت و زمانی در تنگنای معیشتی قرار می‌دهد؛ اما آدمی که حال و وضع خود

۱- ای مردم در راه راست، از کمی روندگان نهراسید، زیرا اکثریت مردم بر گرد سفره‌ای جمع شدند که سیری آن کوتاه، و گرسنگی آن طولانی است " (خطبه ۲۰۱ نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی).

را معیار تدابیر الهی می‌داند، هرگاه در وسعت معیشتی قرار گیرد، می‌گوید خداوند وی را گرمی داشته و هرگاه در تنگنای معیشتی قرار گیرد، می‌گوید خداوند وی را خوار کرده است. در حالی که آدمی، یک مورد را بر حسب حال و وضع خود، حاکی از اکرام و دیگری را نشانه‌ی اهانت تلقی می‌کند، خداوند از هر دو مورد با عنوان «آزمون» یاد می‌کند. غلبه بر خودمحوری هستی شناختی، مستلزم آن است که آدمی خود را آن‌چنان که هست، محاط در هستی بیکرانی ببیند که با علم، قدرت و مشیت الهی می‌گردد (باقری، ۱۳۹۵: ۲۱۴).

ب) غلبه بر خودمحوری شناختی: کسانی که به‌طور عمده در مدار فردی خود به گردش درمی‌آیند و از گردش هم‌زمان در مدار اجتماعی بازمی‌مانند، دچار خودمحوری شناختی می‌شوند. مقصود از این خودمحوری آن است که فرد، در حد اطلاعات موجود در مدار فردی خود، محدود می‌ماند و امور را تنها از دریچه‌ی این مدار می‌نگرد. بنابراین تربیت اجتماعی مستلزم آن است که فرد، علاوه بر مدار فردی، در مدار اجتماعی نیز به گردش درآید و امور را همچنان که از دریچه‌ی مدار فردی می‌بیند، از دریچه‌ی دیدگاه دیگران نیز بنگرد.

امام علی (ع) در نامه به مالک اشتر، وی را به استمرار در برقراری ارتباط با مردم توصیه و اشاره می‌کند که قطع این ارتباط والی و مردم را در ارزیابی امور به تحریف شناختی دچار می‌کند. بنابراین محدودماندن در مدار شناختی خود، منجر به کوچک دیدن امور خطیر و بزرگ دیدن امور خرد، زشت جلوه کردن زیبایی‌ها و زیبا جلوه کردن زشتی‌ها می‌شود (باقری، ۱۳۹۵: ۲۱۸).

ج) غلبه بر خودمحوری عاطفی و ارتباطی: در این‌گونه از خودمحوری، فرد اموری را که برای خود، مطلوب یا نامطلوب می‌شمارد به همان‌سان، برای دیگران، مطلوب یا نامطلوب به شمار نمی‌آورد. غلبه بر خودمحوری عاطفی و ارتباطی، لازمه‌ی تربیت اجتماعی است. فردی که دچار خودمحوری عاطفی است، هنوز خود را مهمتای آن نساخته است که به لحاظ عاطفی، علاوه بر گردش در مدار فردی در مدار اجتماعی نیز به گردش درآید (باقری، ۱۳۹۵: ۲۲۰).

در وصیت‌نامه حضرت علی (ع) به امام حسن (ع) غلبه بر این‌گونه از خودمحوری مطرح شده است: "يا بُنَيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ؛ فَأَحْبِبْ لِغَيْرِكَ

مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ أَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا، وَ لَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ، وَ أَحْسِنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ، وَ اسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَقْبِحُهُ مِنْ غَيْرِكَ، وَ ارْضَ مِنَ النَّاسِ بِمَا تَرْضَاهُ لَهُمْ مِنْ نَفْسِكَ؛

۴. محبت و مودت

محبت و مودت یکی از اصول مهم در عرصه‌ی تربیت اجتماعی است که لازم است انسان‌ها در روابط اجتماعی خود با دیگران آن را سرلوحه‌ی خود قرار دهند. کودکان و نوجوانانی که در محیط سرشار از مهر و محبت تربیت می‌شوند می‌توانند در بزرگسالی به‌عنوان کانون مهر و محبت برای دیگران باشند. بنابراین اگر همه افراد جامعه نسبت به یکدیگر غمخوار، دل‌رحم و مهربان باشند فضایی همچون نیکوکاری، همدردی و ایثار که از جمله ضروریات زندگی اجتماعی محسوب می‌شوند به‌راحتی ترویج پیدا می‌کنند.

۵. وحدت

وحدت، یکی از مهم‌ترین ارکان اندیشه اجتماعی و سیاسی است و به این معناست که افراد هر گروه و یا هر جامعه در انجام امور همگام و همراه یکدیگر باشند. تضادها را رها کنند و متناسب با عقاید مشترک خود دست دوستی بدهند.

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَالتَّقْوَى اللَّهُ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۲

کلاس درس نیز به‌نوبه‌ی خود یک جامعه کوچک‌تر محسوب می‌شود که معلم رهبر این جامعه می‌باشد، جامعه‌ای که ممکن است افراد آن تضادها و اختلافاتی در ظاهر جسمانی و حتی در افکار و آراء خود داشته باشند. معلم باید به دانش‌آموزان تفهیم کند اگر دوستانشان از لحاظ ظاهری از رنگ پوست گرفته تا نحوه‌ی پوشش لباس و حتی از قبایل و طایفه‌های گوناگون بودن و حتی اختلاف در مذهب دلیلی بر

۱- ای پسر من نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار، و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران مپسند، ستم روا مدار، آن‌گونه که دوست نداری به تو ستم شود، نیکوکار باش، آن‌گونه که دوست داری به تو نیکی کنند، و آنچه را که برای دیگران زشت می‌داری برای خود نیز زشت بشمار، و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می‌پسندی " (نامه ۳۱ نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی).

۲- جز این نیست که همه‌ی مؤمنان باهم برادرند پس تمام اختلافات میان دو فرد یا دو گروه برادرانتان اصلاح نمایید و از خدا پروا کنید شاید مورد ترحم قرار گیرید.

دشمنی و تفرقه در بین آنها نمی‌باشد بنابراین باید دانش‌آموز را به شیوه‌ی کاملاً منطقی توجیه کرد که اختلاف در رنگ پوست علتی ندارد مگر به خواست خداوند و با این هدف بزرگ که انسان‌ها یکدیگر را بشناسند.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»^۱

در توجیه اختلاف در مذاهب، به‌عنوان مثال در جامعه ایران باید دانش‌آموز بداند که تفاوت در مذهب شیعه و سنی به معنای تفاوت و اختلاف در دین نیست همه ما مسلمانییم. خدای واحد، پیامبر واحد، کتاب واحد، قبله واحد، معاد، نماز، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، همگی از مشترکات و عقاید یکسان ما می‌باشد. پس مشترکات ما بیشتر از تفاوت‌ها می‌باشد و دشمنان سرزمین ما می‌خواهند از این تفاوت‌های کوچک استفاده کنند و بین ما مسلمانان اختلاف‌افکنی کنند تا سرزمینمان را از چنگ ما بیرون بیاورند.

۶. مسئولیت

با توجه به اصل وحدت که هر یک از مسلمانان را به‌عنوان عضوی از پیکر اسلام محسوب می‌نماید اعضای جامعه‌ی اسلامی نسبت به مسائل موجود سیاسی و اجتماعی بی‌تفاوت نبوده، احساس مسئولیت می‌کنند و این همان اصلی است که در فرهنگ اسلام و نیز سیره‌ی حضرت امیر (ع) مؤکداً مورد تأکید است. امر به معروف و نهی از منکر، احقاق حق مظلوم و مقابله با ظالم و تلاش در جهت اصلاح و بهسازی امور سیاسی و اجتماعی از جمله مصادیق بارز مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی است که پرداختن به آن‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف سیاسی و اجتماعی افراد به حساب می‌آیند و نشانه ایمان تلقی شده و موجب هدایت و رستگاری خواهد گردید " (مرزوقی و اناری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۷۶).

معلمان بهتر است که در کلاس درس به هر دانش‌آموز متناسب با توانایی، علاقه و استعدادش مسئولیت‌هایی را واگذار کنند. سعی گردد که دانش‌آموزان حداقل در یک فعالیت قبول مسئولیت نمایند. همچنین می‌توان از دانش‌آموزان در برنامه‌های

۱ - ای مردم شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا بدین وسیله یکدیگر را باز شناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست (حجرات/۱۳).

اجرائی مدرسه نیز استفاده نمود:

الف. مربیان هنر در مدارس می‌توانند با تشکیل تشکلهای هنری اقدام به ارائه مسئولیت‌هایی هنری برای دانش‌آموزان بنمایند. تشکیل گروه‌های سرود، نقاشی، روزنامه دیواری، تئاتر از جمله تشکلهایی است که مسئولیت‌های اجرایی آنها توسط دانش‌آموزان قابل اجرا می‌باشد.

ب. مربیان تربیت‌بدنی می‌توانند با توجه به علاقه و توانایی دانش‌آموزان در فعالیت‌های ورزشی، تیم‌های ورزشی تشکیل دهند و مسئولیت هدایت و رهبری و داوری در این تیم‌ها را به خود اعضای گروه محول کنند.

ج. با توجه به اینکه مربیان بهداشت غالباً به‌صورت پاره‌وقت در مدارس حضور پیدا می‌کنند و یا به دلیل سنگینی بار مسئولیت، می‌توانند برخی از دانش‌آموزان توانمند را شناسایی نموده و با آموزش‌های لازم قسمتی از وظایف را به دانش‌آموزان تفویض نمایند.

د. معلم قرآن می‌تواند از دانش‌آموزانی که دوره‌های تجوید و روان‌خوانی قرآن کریم که قبلاً به‌صورت دوره‌ای در مراکز دارالقرآن گذرانده‌اند دعوت کند تا با تشکیل کلاس‌های آموزشی سایر دانش‌آموزان را نیز بهره‌مند گردانند.

همچنین مربیان مراکز آموزشی می‌توانند با دادن یک نقش مسئولیتی نظیر؛ برگزیده شدن برخی از دانش‌آموزان به‌عنوان شوراها دانش‌آموزی انتخاب‌نماینده‌ی کلاسی، تعیین مسئول مراقبت از وسایل آموزشی موجود در کلاس به افزایش مقبولیت این افراد در میان همسالان کمک کنند.

۷. عدالت

یکی از اصول تربیت اجتماعی اصل عدالت است. خداوند متعال در قرآن عدالت را به‌عنوان یک اصل ضروری بر همگان می‌داند و می‌فرماید «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ؛ همانا خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد» بنابراین مفهوم عدالت را باید از همان ابتدا در وجود دانش‌آموز نهادینه سازد تا در زمان حال و آینده دانش‌آموز بتواند رفتاری توأم با انصاف داشته باشد.

۸. مشارکت

برای تولید دانایی راهی جز حضور فعال دانش‌آموزان در ارائه مطالب درسی نیست

و در این راه باید از دانش آموز مشورت خواست و آن‌ها را در برنامه‌های مختلف آموزشی و پرورشی شرکت داد. معلمان باید در کلاس درس از متکلم واحد بودن خارج شوند و در کلاس نقش بیشتری به دانش‌آموزان دهند.

مهارت‌های اجتماعی پایه

در ایجاد یک رابطه اجتماعی مطلوب بین فردی عواملی چون ارتباط چشمی، بیانات چهره‌ای مناسب، فاصله‌ی اجتماعی مناسب، چگونگی صدا، احوال‌پرسی با دیگران، آراستگی و بهداشت و... مؤثر واقع می‌شوند.

۱. ارتباط چشمی: توانایی ایجاد ارتباط چشمی با دیگران هنگام گوش دادن به سخن آن‌ها و یا هنگامی که با آن‌ها حرف می‌زنید دست کم برای یک دوره‌ی زمانی کوتاه لازم می‌باشد تا بدین وسیله مخاطب احساس ارزشمندی نماید.

۲. بیانات چهره‌ای: خندیدن، ابراز علاقه و ابراز نفرت و... از جمله بیانات چهره‌ای غیرکلامی هستند که می‌توانند در ارتباطات اجتماعی و تعاملات بین فردی مؤثر واقع شوند.

۳. فاصله اجتماعی: دانستن اینکه در چه فاصله‌ای نسبت به فرد مقابل قرار بگیریم و چه موقع زمان برقراری تماس بدنی است در ایجاد یک ارتباط مطلوب بسیار مهم است.

۴. آراستگی و بهداشت: آراستگی و بهداشت غالباً محبوبیت و پذیرش فرد توسط اطرافیان را افزایش می‌دهد.

۵. چگونگی صدا: حجم صدا، زیری و بمی صدا، میزان گفتار، وضوح و محتوا همگی در چگونگی و استمرار ارتباط و تعامل بین فردی تأثیرگذارند.

۶. احوال‌پرسی با دیگران: آغاز ارتباط مثبت غالباً با احوال‌پرسی همراه می‌باشد که این امر به ترویج صمیمیت و دلگرمی در طرفین می‌انجامد.

۷. گفتگو کردن: مهارت‌های محاوره‌ای مناسب سن، بیان احساسات، سؤال کردن، گوش دادن، ابراز علاقه، پاسخ دادن به پرسش دیگران همگی در برقراری ارتباط اهمیت دارند.

۸. بازی و کار کردن با دیگران: رعایت کردن مقررات، مشارکت، قول دادن، کمک کردن، نوبت گرفتن، تعارف با دیگران، قدردانی و ابراز تأسف از ضوابط اجتماعی

لازم در جریان هر کار مشارکتی از جمله بازی می‌باشد.

۹. حل کردن تعارضات درونی: مهار پرخاشگری، فرونشاندن خشم خود، تحمل خشم دیگران و پذیرش انتقاد از ویژگی‌های مثبت شخصیتی یک فرد تعامل‌گرا است که این ویژگی‌ها غالباً موجب تقویت پذیرش او از جانب افراد جامعه می‌شود.

اهداف تربیت اجتماعی

هدف از تربیت اجتماعی رسیدن به روابط خانوادگی سالم، روابط مهرآمیز با دیگران، صله‌ی ارحام، عدل و قسط، برادری و تعاون و همبستگی ملی، امر به معروف و نهی از منکر، احترام به قانون، نظم، مسئولیت‌پذیری و مشارکت، تولی و تبری، ایثار و گذشت، سعه‌صدر و تحمل آراء، احترام به شخصیت و رعایت حقوق، مقاومت در برابر تبلیغات می‌باشد؛ که این اهداف زمانی به تحقق می‌رسد که مربی در یک محیط تربیتی رسمی همچون مدرسه و تحت نظر مربیانی با چنین ویژگی‌های برجسته تحت تعلیم قرار گیرد تا خوی و سرشت او از همان ابتدا با ویژگی‌های صحیح و سالم اجتماعی مأنوس شود. به برخی از این اهداف در ذیل اشاره می‌شود.

۱. رعایت حقوق انسان‌ها و مراعات انصاف و عدالت‌خواهی

یکی از اهداف مهم تربیت اجتماعی، برقراری عدالت اجتماعی است که منظور از آن این است که انسان نسبت به حقوق دیگران از حق تجاوز نکند و تحت تأثیر عواطف و احساسات قرار نگرفته، از راه راست منحرف نشود. عدالت و دادگری به معنای انصاف، یکی از خواسته‌های درونی هر انسان است و تمام آحاد مردم در هر زمان و مکان در هر حالت طرفدار آن می‌باشند و با تمام توان از حریم آن دفاع می‌کنند و با ناقضین آن به ستیز برمی‌خیزند و تقابلاً اهل قسط را به انجام آن تشویق می‌کنند. خداوند در قرآن مجید، اهل ایمان و بندگانش را به مراعات عدل و انصاف دعوت نموده و از آنان می‌خواهد پیوسته طرفدار عدل بوده و جامعه‌ی مسلمین را به سوی آن سوق دهند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ» (نساء، آیه ۱۳۵) (مرزوقی، اناری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۸).

امام علی (ع) عدالت را برترین فضیلت دانسته‌اند و وقتی از حضرت پرسیده شد که عدالت برتر است یا سخاوت، پاسخ دادند که عدالت هر چیز را در جای خود قرار می‌دهد، اما سخاوت آن را از مسیرش خارج می‌سازد، عدالت قانونی فراگیر و همگانی

است، ولی سخاوت و بخشندگی جنبه خصوصی دارد پس عدالت برتر از سخاوت است" (نهج البلاغه؛ حکمت ۴۳۷).

۲. روابط خانوادگی سالم

"روابط فرد با خانواده اش ابتدایی ترین و مهم ترین رابطه‌ی اجتماعی اوست که باید به آن پرداخته شود. شکل گیری و تداوم زندگی خانوادگی و آمادگی برای آن، یکی از اصلی ترین و اساسی ترین مؤلفه‌های تربیت اجتماعی است. اهمیت خانواده به علت نقش چشمگیر آن در رشد فرد و آزادی جامعه است؛ زیرا با برطرف شدن بخش مهمی از نیازهای جسمانی و عاطفی فرد در خانواده، او می‌تواند با برخورداری از سلامت جسمی و روانی کامل به ایفای وظایف فردی و اجتماعی خود بپردازد.

در اندیشه‌های اجتماعی علامه طباطبایی نیز خانواده از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار است. وی خانواده را نخستین اجتماع بشری و امری فطری و مقدس می‌داند که باهدف رفع نیاز جنسی، تولید نسل و ایمنی از فحشا و فساد که محل سعادت آدمی است بنا نهاده می‌شود و محبت به فرزند و آرامش و تسکین مرد و زن در کنار یکدیگر اصول اساسی در آن است" (عابدی، نیلی، ۱۳۹۲: ۸۲).

۳. احترام به قانون

پرورش روحیه‌ی احترام به قانون و التزام به رعایت آن، یکی دیگر از اهداف اجتماعی نظام آموزشی است. از دیدگاه علامه طباطبایی، برای حفظ اجتماع از بی‌نظمی و متلاشی شدن و منافع افراد از ضایع شدن، وجود قانون ضروری است و اما از سوی دیگر، علامه از این نکته نیز غافل نیست که طبع آزادی خواه بشر از هر محدودیت و ممنوعیتی گریزان است و قانون را تنها بدان سبب می‌پذیرد و رعایت می‌کند که از این راه بتواند دست کم بخشی از آزادی خویش را حفظ کند؛ زیرا می‌داند بدون قانون هرج و مرج و آشوبی در جامعه پدید می‌آید که ممکن است کل آزادی وی را مختل نماید (عابدی، نیلی، ۱۳۹۲: ۸۲).

۴. امر به معروف و نهی از منکر

انسان موجودی اجتماعی می‌باشد و تأثیر متقابل انسان و جامعه امری کاملاً بدیهی است. روابط اجتماعی بر اساس اصول فطری و عقلی پیوندهایی را بین انسان‌ها ایجاد نموده که به واسطه‌ی آن افراد جامعه دارای سرنوشت مشترکی شده‌اند. مسلم

است هرگونه رفتاری از هر یک از اعضای جامعه می‌تواند در سرنوشت فرد و جامعه تأثیرگذار باشد. لذا برای حفظ و بقای جامعه، همگان نوعی مسئولیت نسبت به رفتار و اعمال یکدیگر دارند. به همین دلیل جامعه نیازمند یک نظارت اجتماعی است. دین اسلام سازوکار امربه‌معروف و نهی از منکر را برای نظارت همگانی معرفی نموده و مدعی است در صورت اجرای آن بقا و سلامت فرد و جامعه تضمین خواهد شد. امربه‌معروف و نهی از منکر به‌عنوان دو اصل نظارت همگانی، به تمام افراد اجازه می‌دهند با هر نوع کج روی و هنجارشکنی در حد توان خود مقابله نمایند و در صورتی که ارزش‌ها و هنجارها از چنین ضمانت اجرایی در جامعه برخوردار باشند، کمتر کسی پیدا می‌شود که هنجارها را نقض نماید. در این صورت، امنیت، آرامش و اعتماد بر جامعه حاکم می‌شود و کنش فردی و اجتماعی تسهیل می‌گردند (قلی‌زاده، رجبی، ۱۳۹۲: ۱)

در همین راستاست که در اسلام تأکید زیادی بر امربه‌معروف و نهی از منکر و احقاق حق و مقابله با ظالم و امور اجتماعی دیگر صورت گرفته است. " وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛^۱ ۵. نقش نظام آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان

از نقاط قوت یک نظام تربیتی، رها شدن از دایره تنگ و بسته فردیت و علایق فردی است تا جایی که می‌توان از معیارهای ارزش‌گذاری یک دستگاه تعلیم و تربیت، وسعت نظر و عمق توجه آن به جامعه و اهداف آن را برشمرد؛ بنابراین، در نظام آموزش و پرورش باید به دنبال برنامه‌ها و شیوه‌های مختلفی برای به‌کارگیری دانش‌آموزان در فعالیت‌های درون و فرا مدرسه‌ای باشیم تا از این طریق بتوانیم آنان را افرادی افزون بر توانمندی‌های فردی چون اهل فکر و اندیشه، مطلع، متعهد و متخصص بودن، افرادی با توانمندی‌های بین فردی و اجتماعی بالا تربیت کرده، تحویل نظام مقدس اسلامی نماییم. گاهی مشاهده می‌شود که برخی از دانش‌آموزانی که

۱ - و باید از شما مسلمانان برخی خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری امر کرده و از بدکاری نهی کنند که به حقیقت، واسطه‌ی هدایت خلق هستند و رستگار خواهند بود " (آل‌عمران، آیه‌ی ۱۰۴)

جامعه انتظار رشد اجتماعی را از آنان دارد در روابط اجتماعی خود دچار نارسایی می‌شوند که در صورت عدم اصلاح این نارسایی‌ها کودک کناره‌گیر از اجتماع، فردی منزوی و گوشه‌گیر می‌گردد که از این طریق صدمات جبران‌ناپذیری به فرد و جامعه وارد می‌شود.

در نگاه پست‌مدرنیسم معلم می‌تواند در گفتمان‌های اجتماعی با دانش‌آموزان به دنبال تقویت بعد فردی و اجتماعی آنان باشد تا در سطح جامعه نه صرفاً به‌عنوان یک شهروند خوب بلکه در نقش شهروند منتقد نسبت به فرهنگ حاکم، ظهور پیدا کنند. نقش معلم را می‌توان پرورش روحیه‌ی دموکراسی در فرایند گفتمان اجتماعی دانست تا دموکراسی در جامعه تحقق یابد (رضایی، ۱۳۹۳: ۵۷).

برخی از عوامل موقعیتی که موجب کاهش و تضعیف روابط اجتماعی می‌گردد و زمینه انزوا و تنهایی را پدید می‌آورد عبارت‌اند از:

۱. خاتمه یافتن یک ارتباط عاطفی بسته، مانند آنچه در اثر طلاق و یا مرگ همسر در بزرگ‌سالان اتفاق می‌افتد و اثر نامطلوب آن بر فرزندان مشهود می‌باشد.
۲. جدایی از خانواده و دوست مانند نقل مکان و سکونت یافتن در منطقه‌ای دیگر.
۳. تغییر و یا کاهش یک ارتباط هیجانی، این‌ها از جمله عواملی است که می‌تواند زمینه‌ساز تنهایی در فرد باشد.

از آنجایی که تعامل اجتماعی مهارتی آموختنی می‌باشد، یعنی می‌توان آن را فراگرفت طبیعتاً درمان و اصلاح انزوا نیز در حوزه‌ی مسئولیت‌های معلم می‌باشد" (ایمانی، ۱۳۶۶: ۳۶).

تربیت سیاسی

رشد، توسعه و بالندگی کشور در همه حوزه‌های زندگی در گرو بازیافتن نسل فردا و اهتمام به تربیت سیاسی و اجتماعی آن‌هاست. تربیت سیاسی به‌عنوان زیرمجموعه تربیت اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است و شاید بتوان گفت از میان کارکردها و نقش‌هایی که تعلیم و تربیت بر عهده دارد، تربیت سیاسی و مدنی یکی از کارکردهای مهم آن است، چراکه تداوم حیات جامعه تا حد زیادی به این کارکرد بستگی دارد. تربیت اجتماعی و به‌طور خاص تربیت سیاسی، با ایجاد دلبستگی و وابستگی نسل نو به ارزش‌ها، افکار و نگرش‌ها، و رفتارهای سیاسی

موردنظر، امکان تداوم، حفظ و استمرار حاکمیت سیاسی را فراهم می‌آورد. بنابراین می‌توان گفت تعلیم و تربیت از طریق فرایند تربیت سیاسی، علاوه بر انتقال گرایش‌ها و الگوهای فکری و رفتارهای خاص که در چارچوب سنت‌های رایج سیاسی هستند، نقش انتقال اقتدار سیاسی و عضوگیری برای نظام سیاسی و حکومت را نیز ایفا می‌نماید. تربیت سیاسی در دوره ابتدایی از اهمیت خاصی برخوردار است. اغلب نویسندگان و صاحب‌نظران بر این باورند که مقطع ابتدایی بهترین دوره تربیت سیاسی است؛ چراکه، در این دوره سعی می‌شود تا کودکان متابعت از اقتدار و مقررات اجتماعی و حکومتی را بیاموزند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که شکل‌پذیری هنجارها و ارزش‌های سیاسی در دوره ابتدایی جدی‌تر است (مرزوقی، ۱۳۸۴).

اگر معلمان به‌عنوان افراد روشنفکر و تحول‌آفرین در نظر گرفته شوند، ضروری است که هم تربیت را سیاسی‌تر و هم سیاست را دارای بعد تربیتی بیشتری بدانیم. سیاسی‌تر دیدن تربیت به معنای آن است که مدارس را مستقیماً در حوزه‌ی مسائل سیاسی قرار دهیم. این نگاه به معلمان و دانش‌آموزان کمک می‌کند که باوری عمیق برای مقابله با نابرابری‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در درون و بیرون مدرسه پیدا کنند. تربیتی‌تر دیدن سیاست نیز به معنای استفاده از شیوه و نوع تعلیم و تربیتی است که دانش‌آموزان را به نیروهای منتقد و سیاسی تبدیل می‌کند؛ که البته پرورش انسان‌های منتقد و روشنفکر برای به وجود آوردن یک جامعه آزاد امری ضروری است (ریچ به نقل از مرزوقی: ۹۶).

بنابراین با توجه به اینکه کودکان در طی دوره‌ی زمانی زندگی کوتاه خود کمتر مسائل سیاسی را تجربه کرده‌اند اذهان آنان مانند یک لوحه می‌ماند که معلم می‌تواند با آموزش صحیح و متناسب با سن آن‌ها مباحث و مسائل مربوطه را بر ذهن آن‌ها حک کند تا در بزرگسالی نسبت به این‌گونه مسائل بی‌اعتنا نباشند و یا جریان فکری خود را با منافع ملی کشور خود همسو کنند و نسبت به تضادهای فکری سیاسی نامطلوب موجود در کشور، بهترین تصمیمات را در جهت مصالح کشور خود اتخاذ نمایند.

در متون اسلامی همانند قرآن و روایات معصومین نیز تربیت سیاسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، از مهم‌ترین پیش‌نیازها و مقدمات تربیت سیاسی می‌توان به

متربی، مربی، آزادی، خرد و دین اشاره کرد. سیره سیاسی پیامبر و ائمه معصومین نشان می‌دهد که آنان از بالاترین تربیت سیاسی نسبت به آحاد جامعه، برخوردار بوده‌اند و همین برخورداری و بهره‌مندی است که آنان را برای هدایت جامعه به سوی سعادت واقعی انسان شایسته می‌سازد.

اگر معلمان دارای علائق و جهت‌گیری‌های سیاسی باشند بدون تردید این گرایش‌ها در جریان تربیت به دانش‌آموزان نیز منتقل می‌شود. گاه جهت‌گیری سیاسی بنا بر اقتضای جامعه، حفظ وضع موجود و پاسداری از شرایط حاکم بر جامعه می‌باشد و گاه بنا بر اقتضائات جامعه از جمله افزایش راه‌های ارتباطی ملی و بین‌الملل و پیدایش هویت دهکده جهانی در کل جهان لازم می‌باشد که گرایش‌های سیاسی معلمان و دانش‌آموزان در جهت تحول‌آفرینی سیاسی و اجتماعی مثبت متناسب با موقعیت باشد.

مؤلفه‌های تربیت سیاسی

۱. آزادی

آزادی از ویژگی‌های فطری بشر می‌باشد که خداوند به انسان عطا کرده است؛ بنابراین شایسته نیست این خصوصیت فطری توسط دیگران سلب شود و افرادی که از لحاظ آفرینش هم‌سطح هم می‌باشند ظالمانه زمام امور افراد را به دست بگیرند و حق انتخاب و آزاداندیشی را از آنان سلب کنند.

امام علی (ع) می‌فرماید: "لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً؛^۱

در جریان تربیت، توجه به آزادی و اختیار متربیان، به‌منظور تکوین و توسعه‌ی هویت آنان، موضوعی اساسی است. به‌عبارتی دیگر، تحولات متربی باید آگاهانه و آزادانه باشد؛ اما زمینه‌سازی برای تحقق و هدایت این حرکت به لحاظ عقلانی یک ضرورت است. از این‌رو، با توجه به محدودیت‌های طبیعی دوره‌های پایین رشد و مخاطراتی که در راه تعالی انسانی وجود دارد، حضور الزامی متربیان در موقعیت‌های مناسب، به بهره‌مندی آنان از این زمینه‌ها در جهت تحقق مطلوب تعالی ایشان یاری می‌رساند. چنین الزامی، برای برخورداری متربی از شرایطی که وی را به مقام انسان عاقل و آزاد و فاعل عقلانی نزدیک سازد، امری خردمندانه و قابل‌قبول می‌نماید و از همین رو

۱- بنده دیگران مباش چون خداوند تو را آزاد آفریده است " (نهج‌البلاغه، نامه ۳۰).

بسیاری از اندیشمندانی که در زمینه‌ی تربیت اظهار نظر کرده‌اند، با محدود ساختن موقت آزادی کودکان در سال‌های اولیه‌ی زندگی آن‌ها، به‌منظور تربیت فاعل آزاد، آگاه و اخلاقی که در راستای تعالی حیات فردی و اجتماعی گام بردارد، موفق‌اند؛ چراکه کودکان و افراد کمتر رشد یافته و کم‌تجربه در معرض خطا و تأثیرپذیری از عناصر منفی محیط و مخاطرات آن قرار دارند (صادق زاده، حسنی، کشاورز، احمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۱).

پس در کلاس درس شایسته است که معلم اختیار و آزادی اظهار نظر در مورد مسائل و مباحث مختلف را به دانش‌آموزان بدهد و در عین حال آن‌ها را ملزم به یادگیری امور درسی و غیردرسی بداند تا بدین شکل هویت آزادی‌خواهی و آزاد پروری در وجود آن‌ها تقویت شود. در ضمن باید معلم با رفتار عملی به دانش‌آموزان بیاموزد که انسان در امور عقلانی و منطقی آزادی دارد نه اینکه هر فعل منفی و از روی هوا و هوس را باید به‌عنوان آزادی اندیشه و عمل پذیرفت و اجرای آن را مجاز دانست.

۲. استقلال

با حفظ استقلال است که تمامیت اراضی و حاکمیت ملی یک کشور از آسیب‌های احتمالی مصون می‌ماند. امام خمینی (ره) تأکید می‌کند که: "با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و خودکفایی و استقلال، با همه ابعادش به‌پیش روید ..." (صحیفه‌نور، ج ۲۱: ۴۵۰).

بنابراین تربیت صحیح دانش‌آموزان در ساده‌ترین رفتارها از جمله حفظ استقلال در انجام امور شخصی زمینه را برای تربیت سیاسی دانش‌آموز در ابعاد گسترده‌تری از جمله حفظ استقلال کشور در آینده فراهم می‌کند.

۳. عدالت

انسان طبعاً گرایش به عدل دارد و از ظلم و ستم نفرت دارد بنابراین لازم است که معلمان در مراکز آموزشی متناسب با فطرت و گرایش و امیال درونی شاگردان، خود را در رفتارها و گویش‌ها، ملزم به رعایت عدالت بدانند تا آموزشی به شیوه‌ی کاملاً عملی صورت گیرد و از همان ابتدا در وجود دانش‌آموزان نهادینه شود.

از دید امام خمینی (ره) عدالت نه‌تنها کیفیتی نفسانی است که انسان را به رعایت تقوا و پاکی و انجام واجبات و ترک محرمات می‌خواند، بلکه دارای بعد گسترده

اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هم هست و لذا فضیلتی است که به نهادهای، گروه‌ها، شئون اجتماعی و جامعه نیز تعلق می‌گیرد و جامعه را به سامان می‌آورد و دنیا را اصلاح و سعادت دنیایی و اخروی فرد و جامعه را تأمین می‌نماید (سلحشوری، یداللهی‌فر، خنکدار طارسی، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

۴. آگاهی

امام خمینی (ره) تأکید دارد که "جامعه از هر جهت باید پیشرفته و آگاه باشد تا ملت بتواند منافع خود را بشناسند، زیرا اگر ملتی به درک و روشن‌بینی صحیحی برسد، دیگر از گزند حوادث به دور است و آسیب نمی‌بیند" (صحیفه‌نور، جلد ۲۱: ۴۱۹). ایشان معتقد است که اگر دانشگاه‌ها و مراکز تربیت با برنامه‌های اسلامی و ملی و با آگاهی سیاسی پیش بروند، استعمار هرگز نمی‌تواند به غارت و... دستبرد ببرد" (صحیفه‌نور، جلد ۲۱: ۴۲۹). بنابراین شایسته است که معلمان در حوزه سیاست آگاهی فراوانی داشته باشند تا دانش‌آموزانی آگاه به مسائل سیاسی کشور را پرورش دهند.

نتیجه‌گیری

آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین نهاد در ساخت یک جامعه موفق قلمرو و نقش خود را نمایان‌تر جلوه می‌دهد و حتی برای تکوین و تثبیت و قوام جامعه‌پذیری از دیگر نهادها پیشی گرفته است و معلم به‌عنوان قلب تپنده آموزش و پرورش و همچنین به‌عنوان اولین و بانفوذترین الگوی اقتدار اجتماعی و سخنگوی توانای جامعه است که دانش‌آموزان در خلال سال‌های سازنده زندگی به‌طور مستقیم با او سروکار دارند و به معلم خود به‌عنوان یک الگوی کامل و تمام‌عیار می‌نگرند و معلم می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت و تنظیم رفتارهای آنان نقش اثرگذاری داشته باشد و اگر اراده معلم بر ایجاد نگاه مثبت به حاکمیت و ارزش‌های سیاسی اجتماعی آن در دانش‌آموزان باشد این فرایند بهتر اتفاق می‌افتد و درواقع می‌تواند تسهیل‌کننده جامعه‌پذیری سیاسی در دانش‌آموزان باشد که افزایش مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی را به دنبال خواهد داشت.

در پاسخ روشن‌تر به این پرسش که شایستگی و مهارت‌های موردنیاز معلمی در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان کدام‌اند؟ باید گفت اگرچه تمامی عوامل نظام

آموزش و پرورش نقش مهمی در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان دارند، اما نقش مربی و معلم وظیفه‌شناس و دارای بصیرت و آگاهی دینی، با بینش ژرف سیاسی و آگاه از روابط اجتماعی صحیح، در این میان از همه بیشتر است. به‌طور کلی مربی باید از هر نوع شایستگی که بتواند متریبان را قادر سازد تا شهروندانی فعال و آگاه باشند و بتوانند در فعالیت‌های اجتماعی اعم از اجتماع خرد خانوادگی و آموزشگاهی تا اجتماعات محلی، ملی و بین‌المللی مشارکت کنند، برخوردار باشد. توانمندی و مهارت اجتماعی-ارتباطی، اخلاقی، علمی و آگاهی‌بخشی از مهم‌ترین شایستگی‌های لازم برای مربی هستند. معلم در ایجاد و تقویت مهارت‌های اجتماعی پایه در دانش‌آموزان سعی می‌کند تا بر عواملی چون ارتباط چشمی، بیانات چهره‌ای مناسب، فاصله‌ی اجتماعی مناسب، چگونگی صدا، احوال‌پرسی با دیگران، آراستگی و بهداشت تأکید نماید. معلم این مؤلفه‌ها را برای تبیین اصول تربیت اجتماعی که عبارت‌اند از: وحدت، مسئولیت، عدالت و مشارکت مورد توجه جدی قرار دهد تا در ادامه آن به اهداف تربیت اجتماعی نائل شود. برخی از این اهداف رسیدن به روابط خانوادگی سالم، روابط مهرآمیز با دیگران، صله‌ی ارحام، عدل و قسط، برادری و تعاون و همبستگی ملی، امر به معروف و نهی از منکر، احترام به قانون، نظم، مسئولیت‌پذیری و مشارکت، تولی و تبری، ایثار و گذشت، سعه‌صدر و تحمل آراء، احترام به شخصیت و رعایت حقوق، مقاومت در برابر تبلیغات می‌باشد.

در تربیت سیاسی دانش‌آموزان نیز انتظار می‌رود که معلم و مربی وظیفه‌شناس شایستگی‌هایی که متریبان را قادر سازد تا در فعالیت‌های سیاسی، شهروندانی فعال و مشارکت‌جو و البته آگاه به امور و روابط ملی و بین‌المللی باشند را کسب کرده باشد. چنین معلمی باید به مؤلفه‌های تربیت سیاسی که عبارت‌اند از: آزادی، استقلال، عدالت و دادن آگاهی سیاسی، توجه جدی داشته باشد. تربیت سیاسی منجر به توسعه سیاسی می‌شود که آن نیز به معنای افزایش مشارکت مسئولانه آحاد جامعه در سرنوشت سیاسی خود و جامعه خود خواهد بود. فرد تربیت‌یافته سیاسی، قادر خواهد بود که در اجرای قوانین اسلام و ایجاد روحیه تبعیت از قانون و مبارزه با نظام کفر جهانی و به اهتزاز درآوردن پرچم «لااله الاالله» بر قلل رفیع کرامت و شرافت انسانی و حمایت از مستضعفان و مسلمین جهان و تقویت بنیه‌ی دفاعی و دستیابی به عدالت

قضایای نقش آفرینی کند. همچنین معلم باید از راهنمایی‌های ارزشمند مربیانی با اندیشه دینی و بصیرت سیاسی بالا، الگو بگیرد و متناسب با جهت فکری آنان افکار دانش‌آموزان را برای حفظ وحدت جامعه جهت‌دهی صحیح نماید.

آموزش بر اساس تربیت تمام ساحتی، که در آن نگاهی کل‌نگر به ساحت‌های وجودی آدمی می‌شود و مطالب درسی به صورت تلفیقی و در پیوند با سایر دروس و بر اساس ساحت‌های ۱. عبادی و اخلاقی ۲. زیستی و بدنی، ۳. حرفه‌ای و اقتصادی، ۴. علمی و فن‌آورانه، ۵. هنری و زیبایی شناسانه و ۶. اجتماعی و سیاسی، آموزش داده می‌شود، از دیگر مهارت‌ها و شایستگی‌های مورد انتظار معلم است.

منابع

- قرآن کریم
- نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی. (۱۳۹۲). چاپ دهم، قم: موعود اسلام.
- احمدی فر، مهرداد؛ صادق زاده قمصری، علیرضا. (۱۳۸۹). *چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی تربیت دینی در عصر «جهانی شدن»*، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال پنجم، شماره ۴۵ و ۴۶.
- اخمی عقدا، محمد؛ کمالی زارچ، محمود؛ اوه نادر، شکور. (۱۳۹۴)، *دیدگاه دانش‌جویان درباره‌ی نقش عوامل اجتماعی در تعلیم و تربیت*، پژوهش در نظام‌های آموزشی، سال نهم، شماره ۲۹: ۱۴۴-۱۶۲.
- ایمانی، محسن. (۱۳۶۶). *نارسایی در روابط اجتماعی دانش‌آموزان*، مجله تربیت، شماره پنجم.
- باقری، خسرو. (۱۳۹۸). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، جلد اول، چاپ ۴۵، تهران: انتشارات مدرسه.
- خان محمدی، کریم (۱۳۸۷). *چرستی آسب‌ها و راهکارهای تربیت سیاسی*، فصلنامه‌ی راه تربیت، شماره پنجم.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه‌نور*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- رازانی، اکرم؛ کلدی، علیرضا (۱۳۸۹). نقش مشاوره در پیشگیری از انحرافات اجتماعی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر تهران، پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال چهارم، شماره اول: ۱۰۷-۱۲۲.
- رضوی، سیدعباس؛ ملکی، حسن؛ عباس‌پور، عباس و ابراهیمی‌قوام، صغری (۱۳۸۹). بررسی تربیت سیاسی در برنامه درسی رسمی دوره ابتدایی، مجله روانشناسی تربیتی، دوره ۶، شماره ۱۶: ۵۸-۱۹.
- رضایی، مهدی. (۱۳۹۳). نقد جایگاه و نقش معلم در اندیشه‌ی تربیتی پست‌مدرنیسم، مطالعات تحول در علوم انسانی، شماره ۳.
- سلحشوری، احمد؛ یداللهی‌فر، محمدجواد و خنکدارطراسی، معصومه (۱۳۹۱). مبانی و مؤلفه‌های تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۵: ۱۱۱-۱۲۶.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: سمت.
- صادق‌زاده، علیرضا؛ حسینی، محمد؛ کشاورز، سوسن و احمدی، آمنه (۱۳۸۹). فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران. سند بنیان نظری تحول راهبردی در نظام تربیت رسمی و عمومی، ویرایش دوازدهم.
- عابد، منیره؛ نیلی، محمدرضا (۱۳۹۲). بررسی تحلیلی اهداف تربیت اجتماعی آموزش و پرورش ایران و مقایسه‌ی آن با دیدگاه‌های علامه طباطبایی، دوفصلنامه تربیت اسلامی، شماره ۱۶، ص ۷۹-۱۰۰.
- غنی‌لو، محمدرضا؛ شریفی، محمد (۱۳۹۵). بررسی مبانی نظری تربیت سیاسی و اجتماعی. مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره دوم، شماره ۱/۲: ۱۲۵-۱۴۴.
- فاتحی‌زاده، مریم؛ نصرافهانی، احمدرضا و فتحی، فاطمه (۱۳۸۴). بررسی کیفی عملکرد دبیرستان در ایجاد و پرورش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان، مجله روانشناسی، دوره ۳۴، شماره ۲: ۱۶۵-۱۸۵.
- قلی‌زاده، آذر؛ رجبی، طیبه (۱۳۹۲). نقش امریه‌معروف و نهی از منکر در بهبود سرمایه‌ی اجتماعی دانشجویان دختر، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، شماره ۲۲.

- مارشال، کاترین و گرجن راسمن، (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی، ترجمه: علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مرزوقی، رحمت‌الله (۱۳۸۴). تربیت مدنی از دیدگاه اسلام: رویکردی بسه پرورش سیاسی، دوفصلنامه تربیت اسلامی، دوره ۱، شماره ۱: ۱۰۷-۹۳.
- مرزوقی، رحمت‌الله؛ اناری نژاد، عباس (۱۳۸۶). تربیت اجتماعی از منظر نهج‌البلاغه. دوفصلنامه تربیت اسلامی، دوره ۲، شماره ۴: ۱۶۳-۱۹۲.
- مسعودیان، پریسا؛ بهشتی، سعید (۱۳۹۱). بررسی اهداف، اصول و روش‌های تربیت سیاسی بر مبنای نهج‌البلاغه، فصلنامه‌ی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره ۲۰، شماره ۱۷: ۷-۲۵.